

منع خشونت علیه زنان با رویکردی بر مطالعه ساختارها-رفتارها و تعاملات بازیگران از منظر علوم اجتماعی

امیررضا محمودی^{۱*}

سیده مهشید میری بالاجورشری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۵

چکیده

در عرصه مبارزه و جلوگیری از خشونت علیه زنان، اگرچه بازیگران اصلی (دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی) ثابت هستند اما فرآیند منع خشونت علیه زنان شامل حجم بسیار وسیعی از بازیگران داخلی و بین‌المللی متعدد بزرگ و کوچکی است. خدمات دهندگان بیشماری در عرصه داخلی و بین‌المللی شامل بازیگران اعتبار بخش و منفعل که به توزیع و ترویج مشروعیت در حوزه منع، پیشگیری و کاهش خشونت علیه زنان می‌پردازند، وجود دارد. بازیگران تولیدکنندگان ارزش که در عرصه توسعه منع خشونت علیه زنان چه در عرصه داخلی و چه در عرصه بین‌المللی فعالیت دارند با اقدامات ارشادی خود مسیر توسعه و اجرای اقدامات پایدار را در جهت کاهش خشونت علیه زنان، هموار می‌سازند. همچنین بازیگران اجتماعی حوزه منع خشونت علیه زنان نیز هستند که با رفتارهای ثابت خود، تشریفات لازم در حوزه پیشگیری و منع خشونت علیه زنان را به کار می‌بندند. در نتیجه پرواضح است که بازیگران حوزه منع خشونت علیه زنان در هر کیفیت و هر کمیتی که هستند دارای میزانی از تاثیر در این عرصه هستند و نبایستی به دلیل داخلی بودن، غیر دولتی بودن و... بی‌اهمیت جلوه داده شوند. در این تحقیق با رویکردی نظری و با روش توصیفی به دنبال بررسی رفتارها و تعاملات و طبقه بندی بازیگران حوزه منع خشونت علیه زنان هستیم.

واژگان کلیدی: منع خشونت علیه زنان، بازیگران اصلی، خدمات دهندگان، تولیدکنندگان ارزش.

۱- دکتری تخصصی، استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی لاهیجان، amirreza.mahmodi@gmail.com

۲- کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی لاهیجان، mahshid.miri.id@gmail.com



مقدمه:

تحقیق حاضر از بعد نظری و با رویکرد تحلیلی به توصیف آیین‌ها و تشریفات اصلی در حوزه منع خشونت علیه زنان در عرصه داخلی، منطقه‌ای و جهانی می‌پردازد و به دنبال تبیین نحوه رفتار قابل پیش‌بینی بازیگران عرصه منع خشونت علیه زنان و همچنین ساز و کارهای تعامل بازیگران مطروحه در حوزه منع و پیشگیری خشونت علیه زنان است. همچنین در این جستار نحوه گذر حوزه اجتماعی فرآیند منع خشونت علیه زنان از حالت ثابت و یکنواخت و تبدیل شدن آن به مدل قطبی، که در آن بازیگران متنوع و مختلف در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی، ارزش‌ها و باورهای متنوعی را بدست آورده و متحول شده‌اند را مورد تبیین قرار می‌دهد. تفکیک نقش‌ها و همچنین ایجاد قواعد، چه به صورت نرم و چه به صورت سخت^۱ در عرصه منع خشونت علیه زنان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

تردیدی وجود ندارد حوزه منع خشونت علیه زنان در برگیرنده مجموعه‌ای از بازیگران است که نقش‌ها و کارکردهای مختلفی را ایجاد کرده و ایفا می‌کنند. از قبیل تامین کنندگان، مصرف کنندگان، نهادهای نظارتی و سازمان‌های کلیدی که مجموعه بازیگرانی هستند که در این عرصه فعالیت دارند. همه این بازیگران در کنار هم می‌توانند یک نظام دارای معنای مشترک را ایجاد کنند و چون با هم تعامل دارند می‌توانند در درون حوزه منع خشونت علیه زنان یک حوزه اجتماعی ایجاد نمایند، که ما در این مقاله به دنبال شناسایی و بررسی آن‌ها می‌باشیم.

۱- منع خشونت علیه زنان به مثابه یک حوزه اجتماعی

الف) بازیگران اصلی

در این حوزه اولین گروه از بازیگران اصلی، شامل بازیگرانی است که بدون آن‌ها بحث از حوزه منع خشونت علیه زنان چه در عرصه داخلی و چه در عرصه بین‌المللی وجود نخواهد داشت. یعنی بدون حضور طرفین خشونت (زن- شوهر، مرد- زن) این حوزه معنای خاصی ندارد. به عبارت دیگر با وجود طرفین خشونت هست که حوزه منع خشونت علیه زنان نمود واقعی پیدا می‌کند حتی در وجدان‌های اشخاص. طرفین خشونت چه فاعل، چه مفعول خشونت جزئی از گروه‌های اجتماعی هستند که به نظر می‌آید از بین سایر بازیگران مفعول‌تر مانده‌اند، چرا که این‌ها به عنوان اولین حلقه در این حوزه همواره به صورت یک

^۱ Regularization
^۲ Soft rules
^۳ Strict rules



عامل فرضی مورد نگرش قرار گرفته‌اند و غیر از مواردی که به مطالعه مصادیق خشونت علیه زنان می‌پردازد، در سایر موارد به نوعی به صورت عامل یک عمل خلاف قانون یا اخلاق تلقی شده‌اند. اما در این جستار این بازیگران ابتدایی به عنوان اصلی‌ترین بازیگران حوزه منع خشونت علیه زنان فرض شده است. چرا که بدون در نظر گرفتن اهمیت این بازیگران به هیچ عنوان نمی‌توان تصور کرد که حوزه منع خشونت علیه زنان وجود دارد و حتی نمی‌توان تحولات این عرصه را بدون در نظر گرفتن نیازها و دغدغه‌های اولیه این گروه از بازیگران متصور شد. البته بایستی توجه کرد که همه بازیگران دیگر این عرصه در راستای حمایت از زنان و اینکه زنان بتوانند در احقاق حقوق خود به شکل راحت و با مکانیزم‌های مناسب حرکت کنند و اینکه قبل از وقوع واقعه راهکارهای پیشگیری از خشونت ترسیم می‌شود به اصلی‌ترین بازیگران عرصه یعنی فاعلین خشونت اهمیت زیادی نداده‌اند، با این که کل این حوزه، بدون در نظر گرفتن مردان و نقش آن‌ها قابلیت تصور ندارد. پس نتیجه می‌گیریم که منع خشونت علیه زنان برای طرفین خشونت شکل گرفته است و بیشتر از آن که سایر بازیگران را تحت تاثیر قرار دهد، طرفین خشونت را تاثیر می‌گذارد.

در مقابل دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به عنوان یک گروه اجتماعی، به نظر می‌رسد که بیشترین توجه را از منظر جامعه‌شناسی به خود منعطف کرده‌اند (martens, niemann, kaasch, 2020, 227-229) چرا که امروزه توجه به مقوله‌های حقوق بشری یکی از مهم‌ترین مسائل در عرصه‌های داخلی و خارجی می‌باشد و کشورها و سازمان‌های بین‌المللی در صدد هستند که با تلاش و فعالیت بسیار گوی سبقت را از سایرین برابند و خود را به عنوان حامی حقوق بشر در جامعه جهانی معرفی کنند. به همین جهت است که تحولات شگرفی در این گروه‌های اجتماعی (دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی) صورت گرفته و خود به خود به سمت استاندارد سازی، مدل‌سازی، الگوسازی و هنجاریت آدر عرصه حقوق بشری به ویژه در حوزه منع خشونت علیه زنان سوق پیدا کرده‌اند.

تا چند دهه اخیر بحث منع خشونت علیه زنان بسیار نادر مورد توجه قرار می‌گرفت و اکثراً در قالب‌های اخلاقی و ارشادی مطرح می‌شد و در چارچوب اقوال ادیان و مذاهب و توصیه‌های دینی قرار داشت و به هیچ وجه به شکل امروزی در بین دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مطرح نبود (شستاک، ۱۳۷۹: ۱۶۱) اما امروزه حوزه منع خشونت علیه زنان و حمایت از این گروه از انسان‌ها در قبال انواع خشونت‌ها بحث جذاب

۱. Standardization

۲. modeling

۳. modeling and normativeness



همه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی شده است و به نوعی به سمت مسایل استانداردسازی و حرفه‌ای شدن سوق پیدا کرده و به عنوان یک گروه مستقل اجتماعی بدل شده است.

از آنجایی که ماهیت فعالیت‌های حوزه منع خشونت علیه زنان عدالت محور است، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در قبال خدماتی که در جهت تصویب و اجرای مقررات در خصوص منع خشونت علیه زنان ارائه می‌دهند، در راستای بسط عدالت قدم بر می‌دارند. لذا آن‌ها را نیز می‌توان در قالب ارائه دهندگان خدمات طبقه‌بندی کرد. البته بایستی توجه داشت که این‌ها خدمات دهندگان انحصاری و اختصاصی این حوزه نیستند و تعداد روز افزونی از خدمات دهندگان تخصصی حول بازیگران اصلی در حوزه منع خشونت علیه زنان وجود دارند.

ب) خدمات دهندگان

در خصوص شناسایی خدمات دهندگان در عرصه منع خشونت علیه زنان بایستی اذعان کرد که این خدمات دهندگان محدود به گروه‌های اجتماعی می‌باشند که فعالیت‌های خود را به شکل انحصاری (چه به صورت کامل، چه به صورت تقریبی) به حوزه منع خشونت علیه زنان اختصاص داده‌اند. البته این به معنای انکار حجم وسیعی از بازیگران موردی در این عرصه نیست که در تمامی ظرفیت‌های مختلف در حوزه حقوق زنان و منع خشونت علیه زنان فعالیت دارند. آنچه که از حیث جامعه‌شناسی اهمیت دارد این است که با ظهور گروه‌هایی از بازیگران تخصصی که فهم مشترکی از چستی منع خشونت و چگونگی آن دارند و بیشترین زمان خود را صرف تعامل با یکدیگر می‌کنند می‌باشد که به دنبال تعامل و هنجار سازی و قاعده سازی در حوزه‌های داخلی و بین‌المللی هستند.

تقریباً کلیه کشورهای که در جامعه جهانی مورد شناسایی قرار گرفته‌اند به صورت نسبی و با تفاوت‌هایی به حوزه حقوق بشر، حقوق زنان و حوزه منع خشونت علیه زنان پرداخته‌اند و در قوانین خود استانداردهای لازم جهت اجرای عدالت در حوزه حقوق زنان و پیشگیری و منع خشونت علیه زنان صورت داده‌اند و هر روز نیز در این رابطه دست به ابتکار عمل می‌زنند. مهم‌ترین شاهد این امر تغییراتی است که دولت‌ها در راستای استانداردسازی قوانین حقوق بشری خود صورت می‌دهند و همچنین اعمال تحریم‌ها و قطعنامه‌های شدیدی است که در رابطه با نقض حقوق بشر از سمت مجامع بین‌المللی علیه دولت‌ها صورت می‌گیرد. سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای مرتبط با آن‌ها هم از حیث تعداد بازیگران و هم از حیث اندازه به

^۱ . بر طبق اطلاعات و آمار نهایی سازمان ملل متحد ۱۹۵ کشور در جهان وجود دارد که ۱۹۳ مورد آن عضو سازمان ملل متحد هستند.



صورت تصاعدی روز به روز در حال افزایش هستند و هر روز بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شود که هر یک استراتژیک متنوعی در این خصوص دارند که تا حد امکان خودشان را متفاوت جلوه می‌دهند. برخی از این بازیگران دامنه فعالیت خود را جهانی و برخی دیگر نیز دامنه فعالیت خود را منطقه‌ای نشان می‌دهند (شاو، ۱۳۹۶: ۶۵).

دبیرکل سازمان ملل متحد، دبیرخانه سازمان ملل متحد، گزارشگر ویژه ملل متحد، شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مرکز حقوق بشر سازمان ملل متحد، دیوان بین‌المللی دادگستری، کمیته حقوق بشر، کمیته رفع تبعیض علیه زنان، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کمیسیون مقام زن ۱۹۴۶، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶، کمیته محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹، نهاد زنان ملل متحد شامل: دفتر نماینده ویژه دبیر کل در امور جنسیتی،^۱ بخش پیشرفت زنان،^۲ صندوق سازمان ملل متحد برای توسعه زنان،^۳ موسسه آموزشی و تحقیقاتی بین‌المللی برای پیشبرد زنان^۴ بازیگرانی هستند که در حوزه منع خشونت علیه زنان در عرصه بین‌المللی فعالیت دارند.

در عرصه منطقه‌ای اتحادیه اروپا، موسسه اروپایی تساوی جنسیتی، شورای وزیران اتحادیه اروپا، کمیسیون اقتصادی اجتماعی سازمان ملل برای آسیا و اقیانوسیه، سازمان همکاری اسلامی ۱۹۶۹، منشور آفریقایی حقوق فردی و جمعی مصوب ۱۹۸۱ توسط سازمان وحدت آفریقایی است که به عنوان بازیگران منطقه‌ای در حوزه منع خشونت علیه زنان فعالیت دارند و دارای استراتژی‌های متفاوتی در رابطه با پیشگیری از خشونت علیه زنان می‌باشند. همچنین بایستی توجه داشت که برخی از این بازیگران می‌توانند یا توانسته‌اند در هر دو عرصه، چه منطقه‌ای و چه بین‌المللی فعالیت چشمگیری نشان دهند که نمونه بارز آن اتحادیه اروپا است که با قوانین استاندارد و حساب شده خود مبنای تصویب و اصلاح قوانین بسیاری از کشورها شده است.^۵

^۱. UN Women

^۲. OSAGI

^۳. DAW

^۴. UNIFEM

^۵. INSTRAW

^۶. در این سازمان‌های منطقه‌ای معمولاً نگرش و تفکرات ایدئولوژیک حاکم است.

^۷. یکی از نمونه‌های بارز تاثیر اتحادیه اروپا در تغییر یا اصلاح قوانین کشورها در گزارش توسعه ۲۰۱۰ کشور ترکیه برای اتحادیه اروپا در جهت تطبیق قوانین و مقررات داخلی قابل مشاهده است. به طوری که در این گزارش اصلاح پاره‌ای از مقررات مرتبط با منع خشونت علیه زنان با توجه به استانداردهای اتحادیه اروپا به وضوح بیان شده است (efe, 2012, 184).



اگرچه دولت‌ها در این عرصه همانند سازمان‌های بین‌المللی فعالیت‌ها و کارکردهای مختلف و متنوعی دارند اما آن‌ها نیز به عنوان خدمات دهندگان و همانند آن‌ها رفتار می‌نمایند. این امر زمانی اتفاق می‌افتد که دولت‌ها در رابطه با جذب یا حفظ سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای حوزه زنان و منع خشونت علیه زنان با همدیگر رقابت می‌نمایند، یا زمانی که قوانینی را با هدف اولیه اشاعه قواعد منع خشونت علیه زنان در سرزمین و قلمرو خود ایجاد می‌نمایند. دولت‌ها در رابطه با ارتقاء وضعیت خود به عنوان پیشرو قوانین استاندارد منع خشونت علیه زنان به دنبال ارتقای منافع جامعه حقوقی خود و به صورت کلی تر وضعیت سیاسی و پرستیژ بین‌المللی خود هستند (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۵۱) چرا که این قوانین ذاتاً به دولت‌ها پرستیژ و جلوه‌ای متفاوت و خاص حقوق بشری می‌دهد و دولت‌ها در جهت کسب آن معمولاً از طرق مختلف به دنبال سبقت از سایر کشورها می‌باشند.^۱

سایر خدمات دهندگان تخصصی در رابطه با حوزه منع خشونت علیه زنان اکثراً دبیرخانه‌ها و کمیسیون‌های هر یک از این نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای هستند. همچنین تعدادی از این خدمات دهندگان

^۱. در سیستم حقوقی ایران بازیگران حوزه زنان که به نوعی در حوزه منع خشونت علیه زنان نقش آفرینی می‌کنند نیز در قالب خدمات دهندگان، تولید کنندگان ارزش و بازیگران اصلی نقش آفرینی می‌کنند. در سیستم حقوقی ایران فعالیت این بازیگران سابقه بسی طولانی دارد که حتی از زمان سلسله قاجار فعال بوده‌اند. برخی از این بازیگران دولتی هستند و برخی دولتی-غیردولتی و برخی نیز مردم نهاد (صرفاً غیر دولتی) هستند. در ایران بازیگران اصلی در داخل مرزهای کشور در حوزه منع خشونت علیه زنان (زن-شوهر، مرد-زن) می‌باشد که بدون آن‌ها موضوعیت بحث منع خشونت علیه زنان معنی ندارد. خود دولت (نظام حکومتی) نیز به عنوان بازیگر اصلی تلقی می‌شود که هر سه قوه در آن یعنی مقننه، مجریه و قوه قضاییه نقش اصلی را در عرصه بالادستی منع خشونت علیه زنان ایفا می‌کنند. معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، وزارت تعاون و رفاه اجتماعی در قالب دفتر امور آسیب‌های اجتماعی، بهزیستی در قالب مرکز فوریت‌های اجتماعی، سازمان بهزیستی کشور، دفتر امور بانوان وزارت کشور، دفتر زنان و خانواده و ستاد ملی زن و خانواده در قالب دولتی به عنوان بازیگر در ایفای نقش در حوزه منع خشونت علیه زنان فعالیت می‌نمایند. پلیس و نهاد پیشگیری از جرایم نیز به عنوان بازوی اجرایی در قالب دولتی و به صورت عملی با موضوع منع خشونت علیه زنان فعالیت اساسی دارد. در داخل مرزهای کشور بازیگرانی نیز با ویژگی غیر دولتی-دولتی در عرصه منع خشونت علیه زنان و در قالب تولیدکنندگان ارزش فعالیت می‌نمایند که نمونه‌های بارز آن نیروی مقاومت بسیج خواهران، بخش خواهران جهاد سازندگی و بخش خواهران کمیته امداد می‌باشد. سازمان‌های غیردولتی متعددی در داخل کشور وجود دارند که در حوزه زنان و منع خشونت علیه زنان فعالیت قابل توجهی دارند که می‌توانند در قالب تولید کنندگان ارزش و خدمات دهندگان فعالیت نمایند. نمونه‌هایی از این سازمان‌های غیردولتی که در قالب سیاسی اجتماعی فعالیت دارند جامعه زینب و جامعه زنان جمهوری اسلامی است. همچنین نمونه‌هایی از بازیگران غیر دولتی که در قالب فرهنگی فعالیت دارند باشگاه دختران جوان و موسسه الزهرا می‌باشد که فعالیت‌های تاثیرگذاری در حوزه منع خشونت علیه زنان در قالب فعالیت‌های فرهنگی دارند. همچنین در شاخه‌های تخصصی و صنفی نیز بازیگران در حوزه زنان و منع خشونت علیه زنان وجود دارد که نمونه‌های بارز آن کانون خواهران کارگر و تعاون زنان روستایی می‌باشد که در قالب‌های منع خشونت علیه زنان در حوزه کار فعالیت موثر دارند. در حوزه آموزشی مرکز مطالعات و تحقیقات زنان و مکتب نرجس و... فعالیت دارند که نقش موثری در قالب آموزشی در بهبود حقوق زنان و خشونت علیه آن‌ها دارند. در حوزه‌های انتشاراتی نیز بازیگران داخل کشور فعال بوده‌اند. هفته نامه زن روز، ماهنامه ندا، فصلنامه فرزانه، ماهنامه پیام زن و... با تهیه و تدوین و توزیع مباحثی نقش بسیار موثری در حوزه منع خشونت علیه زنان داشته و دارند و به عنوان بازیگران خدمات دهنده و تولید کننده ارزش در حوزه منع خشونت علیه زنان فعالیت دارند.



تخصصی در بدنه دولت‌ها وجود دارند و در قالب کمیسیون‌های مجالس قانونگذاری، موسسات تحقیقاتی تخصصی و سازمان‌های مردم‌نهاد در داخل کشورها می‌باشند. درست است که این خدمات دهندگان تخصصی در قالب بخش حرفه‌ای قرار نمی‌گیرند اما می‌توانند در فرآیند منع خشونت علیه زنان موثر باشند و تاثیرات شگرفی در توسعه و تحول این حوزه داشته باشند. همچنین بایستی توجه داشت که هر امری در دنیای امروزی نیازمند بودجه و هزینه می‌باشد به طوری که حتی تاسیس چنین نهادهایی به عنوان بازیگر و همچنین فعالیت آن‌ها نیازمند بودجه‌های هنگفتی است که نیازمند بازیگرانی به عنوان تامین کنندگان ثالث می‌باشند. در مورد منع خشونت علیه زنان نیز تامین کنندگان مالی ثالث نقش اساسی بازی می‌کنند و می‌توانند این عرصه را مورد تاثیر قرار دهند (jonathan, 2009, 155-pinsolle, 2011, 385).

راهنماهای حرفه‌ای، انتشارات تخصصی و کمکی که قواعد حوزه منع خشونت علیه زنان را درجه بندی می‌کنند و به آن‌ها قدرت اجرایی می‌دهند نیز می‌توانند در قالب بازیگران اصلی حوزه منع خشونت علیه زنان تبدیل گردند و می‌توانند تحت عنوان تاجرین اعتبار محسوب شوند (dezalay, 1995, 27-29).

ج) تولید کنندگان ارزش

دولت‌ها هم از منظر مشروعیت‌آز هم از منظر توانایی‌آز در راستای تاثیرگذاری و توسعه قواعد منع خشونت علیه زنان هستند. دولت‌ها این اعمال را در محدوده قلمرو خود به شکل مستقیم و با تنظیم مقررات قانونی در رابطه با منع خشونت علیه زنان و قلمرو حقوق زنان و شناسایی آرایشی که شرایط خاصی را دارا هستند، صورت می‌دهند (ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۱۴۷).

در رابطه با تنظیم مقررات قانونی برای منع خشونت علیه زنان و شناسایی مقررات بین‌المللی مصوب توسط برخی از بازیگران بین‌المللی، از جمله سازمان‌های بین‌المللی، دولت‌ها نیز در مواقعی به تولید قواعدی می‌پردازند که در پهنه سرزمینی مورد حاکمیت آن‌ها اجرایی می‌باشد. به بیانی دیگر دولت‌ها هم به عنوان بازیگران اجتماعی، ارزش‌هایی را خلق می‌کنند که دارای سرشت بسیار گسترده‌تری می‌باشد. یعنی این وضعیت زمانی اتفاق پیدا می‌کند که یک دولتی تصمیم داشته باشد که قانونی را تصویب کرده و به موقع اجرا

^۱ به همان ترتیبی که جامعه شناسان گاهی اوقات از حقوقدانان به عنوان تاجرین قانون یاد می‌کنند، می‌توان از این گروه‌های اجتماعی جدید به عنوان تاجرین اعتبار یاد کرد.

^۲ legitimacy

^۳ ability

^۴ بایستی توجه داشت که اجرای مقررات خارجی (کنوانسیون‌ها-اسناد بین‌المللی و...) مستلزم تصویب و تطبیق آن با نظم عمومی جامعه‌ای است که قواعد مذکور در آن کشور اجرا خواهد شد.



بگذارد که حاوی ویژگی‌هایی می‌باشد که می‌تواند به عنوان یک الگو برای سایر بازیگران حوزه حقوق زنان و منع خشونت علیه زنان عمل کند. به عنوان نمونه دولت اسپانیا که چند سالی است که بحث "تحمل صفر در برابر خشونت خانگی" را ایجاد و اعمال می‌کند و در این رابطه اولویت‌هایی را مورد شناسایی قرار داده است و بدین منظور خدمات مراقبتی فوق‌العاده هوشمندی را مدنظر قرار داده است (Franco, 2012, 236) به طوری که این کشور در رابطه با کمک به منع خشونت علیه زنان مراکز اضطراری را بنیان نهاده است و یک سرویس جدید از مسیر پیام‌رسان اختصاصی و همگانی را مورد دسترس قرار داده است و در این راستا تبلیغات فراوانی را صورت داده و کمپین‌های متعددی را اجرایی کرده است و همه این فعالیت‌ها در قالب قوانین مدون و اجرایی در کل کشور اسپانیا اعمال می‌شود. این قوانین به نوعی دارای خصوصیت الگویی ویژه‌ای برای سایر کشورها شده است و بسیاری از کشورهای جهان به خصوص در حوزه اروپا از این قوانین و این برنامه‌ها الگوبرداری مستقیم کرده‌اند و به نوعی با آوردن آن‌ها در قالب سیستم حقوقی خودشان آن‌ها را مورد شناسایی قرار داده‌اند و به نوعی یک معیار بین‌المللی ایجاد نموده‌اند.^۲

در کنار چنین فعالیت‌های مستقیمی که دولت‌ها در رابطه با تولید ارزش به عنوان بازیگران حوزه منع خشونت علیه زنان دارند، مواقعی نیز دولت‌ها در کارهای سازمان‌های بین‌المللی در حوزه منع خشونت علیه زنان مشارکت می‌نمایند و بدواً به عنوان تولیدکنندگان ارزش عمل می‌کنند. مع‌الذالک صدای آن‌ها زمانی شنیده می‌شود که دولت‌های دیگر با آن‌ها هم‌صدا شده و یا با اجماع در درون سازمان روبرو گردند، چرا که سازمان‌های بین‌المللی از دولت‌ها برای دولت‌ها تاسیس می‌شوند و دولت‌ها در کنار سایر دولت‌های دیگر می‌توانند در سازمان‌های بین‌المللی موجودیت خود را نشان دهند (Monica, palmer, armestrang, ۲۰۱۴, ۲۵۵)

سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد، مرکز حقوق بشر سازمان ملل متحد، شورای اقتصادی و اجتماعی و کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل، مجامع اصلی را شکل می‌دهند که ارزش‌های حوزه حقوق زنان و منع خشونت علیه زنان در آنجا اعلام می‌شود. بدون آنکه در این مجال بر تعامل بازیگران اجتماعی در فرایند قانونگذاری در سازمان‌های بین‌المللی تمرکز نماییم لازم به توضیح است که سازمان‌های بین‌المللی نیز در اکثر مواقع بدواً تولیدکننده ارزش هستند، نه صرفاً تولیدکنندگان قواعد حقوقی. حال به جهت آن که حاصل فعالیت‌های آن‌ها بتواند جامه حقوقی به خود بگیرد و اقتدار حقوقی

^۱. zero tolerance of violence against women

^۲. کشورهایی نظیر فرانسه، ایتالیا، روسیه و ترکیه از جمله کشورهایی هستند که با مبنا قراردادن قانون تحمل صفر در برابر خشونت خانگی در اسپانیا قوانینی را مشابه آن تصویب و اجرا می‌کنند.



موضوعه را به دست بیاورد، لازم است که به عنوان معاهده توسط دولت‌ها تصویب شود و یا از بعد حقوق داخلی به نحوی وارد قوانین داخلی کشورها شود (فلسفی، ۱۳۹۵: ۲۷۷).

در قیاس با کشورها که به عنوان بازیگران انفرادی نقش ایفا می‌کنند، سازمان‌های بین‌المللی در راستای ایجاد وفاق و اجماع در میان جمع زیادی از بازیگران فعالیت دارند، به طوری که امروزه می‌توان آن‌ها را به عنوان تولیدکنندگان جمعی ارزش‌ها و یا تولیدکنندگان ارزش‌های جمعی نامید. به عنوان مثال یکی از نتایج رشد فزاینده حقوق زنان و حمایت از آن‌ها، نفوذ سازمان‌های سیاسی به عرصه حقوق بشر، حقوق زنان و منع خشونت علیه زنان است. این سازمان‌ها از طریق قدرت مالی و سیاسی و نقش تاثیر گذاری که در عرصه جهانی دارند از طریق اخذ گزارش‌های متعدد از تک تک کشورهای جهان با ایجاد کمپین‌های متعدد تهاجمی، فعالیت‌های مطبوعاتی گزینشی و... ارزش‌هایی مانند دفاع از حقوق بشر، حقوق زنان و منع خشونت علیه زنان را ترغیب می‌کنند (gaillard, 2015, 13).

برخی دیگر از سازمان‌های بین‌المللی به عنوان بازیگرانی هستند که در پی مشروعیت دادن به قواعد حاکم بر حوزه منع خشونت علیه زنان می‌باشند و بدون دیدگاه و نگرش سیاسی و مالی، صرفاً در جهت توسعه و بسط این حوزه در قالب‌های مشروع و خاص فعالیت می‌کنند. هدف این‌ها توسعه این حوزه با زور و تحریم و اجبار و اکراه نیست و صرفاً هدف ارشادی دارند. نمونه بارز این بازیگران نهاد ملل متحد^۱ می‌باشد.

در کنار این بازیگران که با عناوین سازمان‌های دولتی و غیر دولتی خود را معرفی می‌کنند، بازیگرانی در این عرصه وجود دارند که به عنوان باشگاه شناخته می‌شوند و تمرکز اصلی آن‌ها بر گردآوری بازیگران اجتماعی صاحب خصوصیات و منافع مشترک هستند. نمونه بارز چنین بازیگرانی، بخش پیشرفت زنان^۲ که در بدنه نهاد ملل متحد می‌باشد، است که با هدف ارتقاء ارزش‌های خود در راستای حقوق زنان و منع خشونت نسبت به زنان فعالیت دارد (Bunch, 2007, 8).

در عرصه منع خشونت علیه زنان بازیگرانی با عنوان سازمان‌های حرفه‌ای وجود دارد که با خلق قواعد یا خطوط راهنما در برخی زمینه‌ها فعالیت موثر و نقش مهمی در این حوزه ایفا می‌کنند. نمونه بارز چنین

^۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در جولای سال ۲۰۱۰ نهاد جدیدی را در جهت رسیدگی به چالش‌های پیش روی سازمان ملل و سرعت بخشیدن به پیشرفت زنان و دختران و رفع نیازهای آن‌ها در سطح جهانی، منطقه‌ای و ملی با عنوان نهاد سازمان ملل برای توانمندسازی زنان و برابری جنسیتی با اکثریت آرا تصویب کرد. خشونت نسبت به زنان، صلح و امنیت، رهبری و مشارکت زنان، توانمندسازی اقتصادی، طرح‌ها و بودجه‌های ملی مربوط به زنان و اهداف توسعه هزاره از جمله موضوعات بسیار مهمی است که مورد توجه و تمرکز نهاد زنان ملل متحد قرار گرفته است (صبوری، نصیرپور، حمیدیان شورمستی، ۱۳۹۱، ۱۷۸-۱۷۹).

^۲ DAW



بازیگری "موسسه آموزشی تحقیقاتی بین‌المللی برای پیشبرد زنان" است. این بازیگران نیز مشخصاً تولید کننده ارزش هستند، به خاطر آنکه ارزش‌هایی را که تولید می‌نمایند، بینش و الگویی تخصصی به دست می‌دهد که به موجب آن‌ها سایر بازیگران حوزه منع خشونت علیه زنان، چگونگی رفتار خود را تعیین می‌کنند. (Henderson, sabharval, 2020, ۱۴۲-۱۴۴) بایستی اذعان داشت که میزان تأثیر ارزش‌های تولیدی این بازیگران ارتباط مستقیم با ارزش اقناعی آن‌ها دارد و به بیانی دیگر از اقتدار سازمانی آن‌ها نشأت می‌گیرد.

نهادهای دانشگاهی متخصص در حوزه حقوق زنان، مانند پژوهشکده خانواده در دانشگاه شهید بهشتی ایران که با تاسیس یک رشته در دوره دکتری تخصصی با عنوان "مطالعات زنان" گامی موثر در حوزه حقوق زن و منع خشونت علیه زنان صورت داده است و به عنوان بازیگری که تولید ارزش می‌کند فعالیت می‌نماید. چراکه نحوه اعمال منع خشونت علیه زنان و حتی توسعه حقوق زنان را با روش تولید مقالات، کنفرانس‌ها و آموزه‌های دانشگاهی فراهم می‌آورد.

گروه‌های مباحثه که مربوط به حوزه حقوق زنان و منع خشونت علیه زنان می‌باشد نیز به شکل قوی در شکل‌گیری ارزش‌های مبانی حقوق زنان و ترویج منع خشونت علیه زنان موثر می‌باشند. اظهار نظر راجع به وقایع منع خشونت علیه زنان (در قالب اظهار نظر در مورد آراء، قوانین و تصمیمات دادگاه‌ها) در زمانی مناسب، سرمایه‌ی نمادین مبتنی بر سرعت و تکرار، بسط و توسعه قواعد در حوزه مزبور ایجاد کرده است. این گروه‌ها عمدتاً به شکل داخلی و در بطن پژوهشکده‌ها و دانشگاه‌ها ایجاد می‌شوند و در برخی از موارد نیز با کمک صدا و سیما فعالیت می‌نمایند.^۴

رسانه‌ها نیز با آن که سالیان سال تحت نظارت حاکمیت‌ها فعالیت داشته‌اند، امروزه با تأسیس رسانه‌های مستقل بیشتر درگیر مباحثات راجع به حقوق زنان و مشروعیت منع خشونت علیه زنان شده‌اند. حتی در عرصه داخلی نیز رسانه‌ها با توجه به اینکه ورود به مباحث حوزه حقوق زنان و منع خشونت علیه زنان جذابیت فراوانی در جذب مخاطب دارد، در قالب‌های مختلف به فعالیت در این عرصه می‌پردازند و به عنوان

! INSTRAW

^۲. اقتدار سازمانی در حقیقت توانایی فرد (یا افراد) در نفوذ بر دیگران برای انجام کاری می‌باشد.

^۳. همچنین گروه مطالعات بنیادی پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی در ایران نیز در زمره نهادهای تخصصی دانشگاهی به عنوان بازیگر در حوزه منع خشونت علیه زنان فعالیت دارد و با طرح اولویت‌هایی در زمینه خانواده و حقوق زنان و منع خشونت علیه زنان نقش آفرینی می‌کند.

^۴. در ایران ساسله مباحثی که پیرامون حقوق زنان و منع خشونت علیه زنان در کمیسیون حقوق بشر اسلامی انجام می‌پذیرد نمونه‌ای بارز از این بازیگران می‌باشد که عمدتاً دارای تأثیرات عمیقی در رابطه با حوزه حقوق زنان و منع خشونت علیه آن‌ها می‌باشد.



بازیگران فعال در این حوزه نقش آفرینی می‌کنند و به نوعی به تولید ارزش مبادرت می‌نمایند (اعزازی، ۱۳۸۳: ۹۸). امروزه قدرت رسانه‌ها تا جایی پیش رفته است که هیچ قاعده، قانون، مصوبه، دستور و یا راهکاری بدون وجود رسانه‌ها عقیم و ثابت و بدون تأثیر باقی می‌ماند (متانی، حسن پور، ۱۳۹۳: ۶۰). نقش فعال و برجسته رسانه‌ها به عنوان بازیگران اجتماعی در حوزه منع خشونت علیه زنان آنقدر اهمیت دارد که سایر بازیگران همواره خود را وابسته به این نهادهای اجتماعی می‌دانند، چرا که جهت‌دهی به ارزش‌های تولیدی خودشان در رساندن آن‌ها به سمع و نظر مخاطبین بدون در نظر گرفتن رسانه‌ها امری محال تلقی می‌گردد.

د) تعامل بازیگران

تعامل میان بازیگران هر حوزه اجتماعی امری بدیهی است. این تعاملات می‌توانند در قالب آیین‌ها و تشریفات قرار گیرند و یا در قالب رقابت خود را نشان دهند. رقابتی که در تحلیل‌های جامعه‌شناختی با عنوان رقابت اعتبار شناخته می‌شود (roohani, 2014, 28). به این رقابت می‌توان از ابعاد و جهات مختلف نگریست چرا که در این حوزه رقابت در قالب کسب مشروعیت و اعتبار جلوه می‌کند. چنین تعاملی برپایه رقابت می‌تواند در توزیع پرستیژ و مشروعیت در حوزه نقش آفرینی در عرصه منع خشونت علیه زنان بین بازیگران اهمیت ویژه‌ای داشته باشد و به تبع اولی نقش ارزشمندی در ایجاد و حفظ ساختار اجتماعی ایفا نماید و با این روش پیوستگی اجتماعی را تقویت می‌کند. بنا به تعبیر نئومارکسیست آیین و تشریفات این رقابت طبقه‌بندی اجتماعی را طبیعی ساخته و توجیه می‌نماید (صنعتی، ۱۳۹۳: ۱۰۹). همچنین تعامل مبتنی بر رقابت در ظهور بازیگران جدید و قوی تأثیر فراوانی دارد، اما مهم‌ترین خدمتی که به حوزه منع خشونت علیه زنان اعطا کرده مشروع جلوه دادن حوزه منع خشونت علیه زنان و استانداردسازی رفتار در این زمینه است.

تعامل میان بازیگران اجتماعی همچنین موجب تشکیل قواعد حقوقی می‌شود، با این توصیف که قواعد حقوقی در نقطه مقابل رویه‌ها و تشریفات قرار می‌گیرد که صرفاً از جنبه اجتماعی مورد پذیرش قرار گرفته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۶۹). در کل در یک حوزه منعطف، ویژگی اصلی برای بازیگران اجتماعی در قالب تعامل و تعارض قرار می‌گیرد. در مواقعی ممکن است بازیگرانی که دارای ارزش‌های اجتماعی متفاوتی هستند به نزاع با یکدیگر روی آورند. به عنوان نمونه تفاوتی که در مفهوم حقوق بشر بین بازیگران وابسته به حقوق اسلام و غرب وجود دارد از این دست تعارضات است. صرف نظر از چنین تعارضاتی بایستی اذعان داشت که روابط متقابل دارای گونه‌های پیچیده، گاه یکپارچه و در برخی موارد همانندی است. بایستی به این موضوع مهم اشاره شود که در حوزه منع خشونت علیه زنان صرفاً بازیگران انگشت شماری هستند که



توانایی و همچنین مشروعیت لازم جهت گردهم آوری تعداد کثیری از بازیگران دارای دیدگاه‌های متفاوت و متعارض را دارند، تا به موجب این گردهمایی بتوانند تا حد امکان به اجماع دست پیدا کنند. در این رابطه مجمع عمومی سازمان ملل متحد و کمیسیون حقوق بشر ملل متحد به ذهن متبادر می‌شود.





نتیجه‌گیری:

تحلیل‌های نهادی همواره نشانگر این هستند که هر نظام اجتماعی حوزه‌ای از تنش‌هاست که در میان تعارضات و مشارکت‌ها دوران دارد. برخی از نهادها (بازیگران اجتماعی) دارای این توانایی هستند که حتی چالش‌های بسیار شدید را نیز در خود جذب می‌نمایند، همچنین همکاری در درون یک حوزه را توسعه می‌دهند و دوام آن را تضمین می‌کنند، به طوری که مورد پذیرش اکثریت قریب به اتفاق بازیگران حوزه اجتماعی مربوطه می‌باشند. مطالعه جامعه‌شناسی به ما نشان داد که حوزه‌ای مثل منع خشونت علیه زنان می‌تواند در قالب یک حوزه اجتماعی وسیع مورد شناسایی و کنکاش قرار بگیرد، به طوری که با نگرش کلی به بازیگران سیاسی، دولتی، غیردولتی، دانشگاهی و... در این عرصه به کم و کیف تأثیرات آن‌ها بر حوزه منع خشونت علیه زنان پی‌می‌بریم و کاملاً آگاه از این مسئله می‌شویم که صرف دولتی بودن یا گسترده و سازمانی بودن بازیگری دلیل و نفوذ و گسترش و مشروعیت هنجارها و قواعدی که ایجاد می‌کند نخواهد بود، چرا که در مطالعات خود دریافتیم که اکثر این بازیگران بدون وجود بازیگران رسانه‌ای، بازیگر منفعلی بیش نیستند و حتی درک کردیم که بازیگران دانشگاهی و تخصصی به چه میزان می‌توانند در بسط و توسعه و گسترش این نهاد اجتماعی دخیل باشند و تأثیرات مثبتی بگذارند.

بررسی تعاملات بازیگران عرصه منع خشونت علیه زنان نشان داد که این تعاملات می‌توانند در قالب تعارض، رقابت یا همسانی و هماهنگی جلوه کنند. هر یک از این جلوه‌ها به نوعی دارای آثاری شگرف می‌باشد چرا که در تعارضات است که کاستی‌ها و نواقص هنجار یا قاعده یا قانونی معین می‌گردد، یا به واسطه رقابت است که حوزه‌ای، قانونی، هنجاری یا رویه‌ای توسعه و گسترش پیدا می‌کند. همچنین با تعاملات همسان و هماهنگ امکان مشارکت در بهبود ارائه خدمات امکان پذیر می‌شود.



فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- ابراهیمی، سید نصراله (۱۳۹۶)، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، انتشارات سمت، تهران.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۳)، *ساختار جامعه و خشونت علیه زنان*، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۴، شماره ۱۴.
- شاو، ملکم (۱۳۹۶)، *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، ترجمه: سیده لطیفه حسینی و نرگس سادات حسینی، نشر خرسندی، تهران.
- شستاک، جروم (۱۳۷۹)، *بنیان‌های فلسفی حقوق بشر*، مجموعه حقوق بشر (نظریه‌ها و رویه‌ها)، ترجمه: حسین شریفی طرازکوهی، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران.
- صبوری، ضیا الدین، نصیرپور، ساناز، حمیدیان شورمستی، مرضیه (۱۳۹۱)، *چالش‌های نهاد زنان ملل متحد در ایجاد صلح پایدار*، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۱، شماره ۵.
- صنعتی، فریبا (۱۳۹۳)، *ارزیابی و نقد پارادایم نئومارکسیستی توسعه*، مجله جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۸، شماره ۲.
- فلسفی، هدایت‌اله (۱۳۹۵)، *حقوق بین‌الملل معاهدات*، فرهنگ نشر نو، تهران.
- لوی برول، هانری (۱۳۵۳)، *جامعه‌شناسی حقوق*، ترجمه ابوالفضل قاضی شریعت پناهی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- متانی، مهرداد، حسن‌پور، مهشید (۱۳۹۳)، *بررسی نقش رسانه‌های جمعی در ارتقای سطح پاسخ‌گویی سازمان‌های دولتی*، فصلنامه مدیریت، سال ۱۱، شماره ۳۴.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴)، *حقوق بشر و آزادی‌های اساسی*، نشر میزان، تهران.

ب: منابع لاتین

- Bunch, Charlotte, (2007), **Women and Gender: The Evolution of Women Specific Institutions and Gender Integration at the United Nations**, Women and Gender chapter of the Oxford Handbook on the United Nations, London.
- Deazalay, (1995), **merchants of law as moral enterpereneurs**, 29 law and society review, N. 27.



- Efe, haydar, (2012), **uyum yasaların Türkiyede ki insan haklarının gelişimine katkıları**, Kafkas üniversitesi iktisadi ve idari bilimler fakültesi dergisi, gilt. 3, aayı. 4, ss. 149-188.
- Henderson, Emily, sabharval, nidhi, (2020), **Feminist Analysis**, The SAGE Encyclopedia, England.
- Jonathan, Glater, (2009), **is investing in lawsuits, for a share of the awards**, New York Times, 3 June.
- Luis Rodríguez, Franco, María de los, Ángeles Antuña, Bellerín, Javier López-Cepero Borrego, Francisco Javier Rodríguez, Díaz, Carolina Bringas, Molleda, (2012), **Tolerance towards dating violence in Spanish adolescents**, psicothema, vol. 24, n. 2, pp. 236-242.
- Martens, Kerstin, Niemann, Dennis, Kaasch, Alexandra, (2020), **International Organizations in Global Social Governance**, Palgrave Macmillan pub, Bermen.
- Monica N. Modi, Sheallah, Palmer, Alicia, Armstrong, (2014), **the Role of Violence against Women Act in Addressing Intimate Partner Violence: A Public Health Issue**, Journal of Women's Health, 1; 23(3): 253–259.
- Philippe, Prinsol, (2011), **le financement de arbitrage par les tiers**, revue de arbitrage 385.
- Roohani, Ali, (2014), **Male and Female Social Actor Representation in Four Corners 4: A Critical Discourse Perspective**, IJRELT, vol. 2, n. 2, 23-35.
- Stanley, French, Wanda, teays, Laura, purdy, (2018), **Violence against Women: Philosophical Perspectives**, second edition, published by: Cornell University Press.